



Iranian Scientific Association
of Public Administration



University of
Sistan and Baluchestan

Rentier Income and its Impact on the State Capacity in Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs)

Shahryar Mahmoodzadeh Ahmadinejad¹

1. PhD student, Department of Public Administration, Alborz Campus Faculty, University of Tehran, Tehran, Iran. E-mail: Shmahmoodzadeh@alumni.manchester.ac.uk

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

The objective of current study is to evaluate the impact of the rentier income including strategic rent and natural resource rent on the state capacity in Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs) from 2002 to 2017.

Article history:

Received: 31 August 2021

Accepted: 24 November 2021

Method: To estimate the impact of unearned income on the state capacity, cross-sectional regression analysis is used in this research project by adopting the Ordinary Least Square (OLS) method. Besides, various methods are used for robustness check and addressing the Endogeneity problem.

Based on the findings of this research project, unearned income is one of the influential determinants of the state capacity formation in Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs) from 2002 to 2017. In the mentioned years, strategic rent had had a positive impact on the state capacity and natural resource rent had a negative impact on the state capacity.

Findings of this research project proves that unearned income as one the main source of public revenue is an influential determinants of the state capacity in Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs) from 2002 to 2017. Although, we have to consider that two main categories of the unearned income has different impacts on the state capacity in the mentioned countries. Findings of this research project proves that after the Paris declaration in 2005 about the aid effectiveness and adopting reform policies by aid donors, strategic rent has had a positive impact on the state capacity in the Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs). On the other hand, regarding the negative influence of natural resource rent on the state capacity, the situation is more complicated. Because of the natural resource trap phenomenon, defining required incentives for political elites and governors in these countries is very difficult. According to the findings of the cross-sectional regression analysis, oil rent is the main cause of natural resource curse in Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs).

Keywords:

State Capacity, Natural Resource Rent, Strategic Rent, Public Revenue, Natural Resource Curse

Cite this article: Mahmoodzadeh Ahmadinejad, S. (2021). Rentier Income and its Impact on the State Capacity in Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs). *Governance and Development Journal*, 1 (4), 103-20.



Publisher: Iranian Scientific Association of Public Administration & University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه تهران

حکمرانی و توسعه

شماره ۱: ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



مدیریت دولتی ایران

درآمدهای رانتی و تاثیر آن بر روی ظرفیت دولتها در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه

شهریار محمودزاده احمدی نژاد^۱

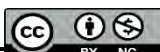
۱. دانشجوی دکتری، گروه مدیریت دولتی، دانشکده پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه:

Shmahmoodzadeh@alumni.manchester.ac.uk

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--------------------------|---|
| نوع مقاله: مقاله پژوهشی | هدف از پژوهش حاضر تخمین تاثیر درآمدهای رانتی مشتمل بر رانت استراتژیک و رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه طی سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷ بوده است. |
| تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۰۹ | جهت تخمین تاثیر درآمدهای رانتی بر روی ظرفیت دولت، در پژوهش حاضر تحلیل رگرسیون مقطعی مبتنی بر تخمین زنده مربعات حداقلی معمولی (OLS) مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین روشهای متفاوتی برای بررسی ثبات نتایج و حل مشکل درون‌زایی استفاده گردیده‌اند. با توجه به اینکه داده‌های مربوط به درآمدهای ناشی از رانت منابع طبیعی بسیاری از کشورها برای بازه زمانی پس از ۲۰۱۷ موجود نمی‌باشند، بازه زمانی پژوهش از سال ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷ لحاظ گردیده است. |
| تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۹/۰۳ | مبتنی بر یافته‌های پژوهش درآمدهای رانتی از عوامل تاثیرگذار بر شکل‌گیری ظرفیت دولت در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه طی سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷ بوده به نحوی که طی بازه زمانی پژوهش رانت استراتژیک دارای تاثیر مثبت و رانت منابع طبیعی دارای تاثیر منفی بر روی ظرفیت دولت بوده است. |
| واژه‌های کلیدی: | یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این امر است که درآمدهای رانتی به عنوان یکی از منابع درآمدهای عمومی دولت‌ها، متغیری تاثیرگذار بر روی ظرفیت دولت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشند. البته بایستی این موضوع را مد نظر قرار داد که گروه‌های متفاوت درآمدهای رانتی، تاثیرات متفاوتی را بر روی ظرفیت دولت دارا بوده‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این مهم است که پس از نشست پاریس در سال ۲۰۰۵ با موضوع اثربخشی کمک‌های توسعه‌ای و اتخاذ رویکردهای اصلاحی توسط نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه توسعه، رانت استراتژیک دارای پیامدهای مثبت بر روی ظرفیت دولت در کشورهای متعلق به گروه مذکور گردیده است. اما در ارتباط با تاثیر منفی رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت، شرایط نسبتاً پیچیده‌تر بوده و انجام اصلاحات مورد نیاز با چالش‌های حوزه اقتصاد سیاسی حکومت‌ها مواجه می‌باشد. به نحویکه به دلیل وجود پدیده نفرین منابع طبیعی، نخبگان سیاسی و حکمرانان در این کشورها عمدتاً دارای انگیزه مورد نیاز جهت انجام اصلاحات مورد نیاز نبوده و عمدتاً شورایی موفق به مدیریت رانت منابع طبیعی به سوی پیامدهای سازنده گردیده که پیش از دستیابی به رانت منابع طبیعی زیرساخت‌ها و نهادهای حکمرانی مطلوب در آنها ایجاد شده باشد. |

استناد: محمودزاده احمدی نژاد، شهریار. (۱۴۰۰). درآمدهای رانتی و تاثیر آن بر روی ظرفیت دولتها در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه. حکمرانی و توسعه، ۱ (۴)، ۱۰۳-۱۴۲.

ناشر: انجمن علمی مدیریت دولتی ایران و دانشگاه سیستان و بلوچستان



مقدمه

اثر بخشی نهادهای حکمرانی عاملی تاثیرگذار بر روی دستیابی به اهداف توسعه بوده به نحوی که مبتنی بر رویکرد نهادگرایی^۱، نهادهای حکمرانی ناتوان و ناکارآمد از اصلی ترین دلایل شکست کشورها در تحقق اهداف توسعه می باشند. بنابراین، ایجاد نهادهای کارآمد و توانمند، تبدیل به اصلی ترین دغدغه خطامشی گذاران، نخبگان سیاسی و سازمان های چند ملیتی اهداء کننده کمک های مالی^۲ در راهبری کشورهای توسعه نیافته^۳ و در حال توسعه^۴ گردیده است. در میان این نهادها، بایستی دولت ها را به عنوان اصلی ترین نهادهای حکمرانی تلقی نمود که نقش حایز اهمیتی را در راهبری کشورها به سوی رفاه و رونق اقتصادی ایفاء می نمایند. با توجه به نقش حایز اهمیت دولت ها در تحقق اهداف توسعه، امروزه اهمیت ظرفیت دولت^۵ در راستای توانمندسازی دولت ها و تحقق اهداف توسعه به خوبی مورد اجماع اندیشمندان قرار گرفته است. با این حال ادبیات پژوهشی موجود در ارتباط با ریشه ها و عوامل موثر بر شکل گیری ظرفیت دولت از عمق کافی برخوردار نبوده و درک امروزه ما از نحوه شکل گیری ظرفیت دولت کافی نمی باشد. بنابراین برای اینکه بتوانیم علل تفاوت ظرفیت دولت در میان کشورهای مختلف جهان را توضیح دهیم، شناسایی عوامل موثر بر ظرفیت دولت و درک شیوه تاثیرگذاری این عوامل موضوعی درخور توجه بوده که برای طراحی خطامشی های اصلاحی جهت ارتقاء ظرفیت دولت ضروری و حایز اهمیت می باشد.

منابع درآمد عمومی^۶ دولت گروهی از عوامل موثر بر توسعه ظرفیت دولت ها بوده و مبتنی بر پارادایم جامعه شناسی مالیه نوین^۷ که توسط رادولف گولدشید^۸ و ژوزف شومپیتر^۹ مطرح گردید، تاثیر حایز اهمیتی را بر روی ظرفیت دولت ها دارا می باشد. پژوهش حاضر بر روی درآمدهای

1 - Institutionalism Approach

2 - Multilateral Aid Donors

3 - Under-Developed Countries

4 - Developing Countries

5 - State Capacity

6 - Public Revenue

7 - Modern Fiscal Sociology

8 - Rudolph Goldscheid

9 - Joseph Schumpeter

رانتی به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابع عمومی درآمد دولت در بسیاری از اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه^۱ تمرکز داشته و تلاش خواهد نمود تا تاثیر دو گروه اصلی از درآمدهای رانتی شامل رانت استراتژیک^۲ و رانت منابع طبیعی^۳ را بر روی ظرفیت دولت در این کشورها طی سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷ ارزیابی نماید. ارزیابی تاثیر درآمدهای رانتی بر روی ظرفیت دولت در این پژوهش با استفاده از تحلیل رگرسیون داده‌های مقطعی^۴ صورت پذیرفته است. یافته‌های این پژوهش به ما کمک خواهند کرد تا دریابیم که درآمدهای رانتی چه تاثیری بر روی ظرفیت دولت داشته و از چه مسیرهایی بر روی ظرفیت دولت در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه تاثیر گذار می‌باشند. در نتیجه این مهم ما را قادر خواهد نمود تا با طراحی و عملیاتی‌سازی خط‌مشی‌های مناسب نسبت به مدیریت درآمدهای رانتی در مسیر توسعه ظرفیت دولت‌ها اقدام نماییم.

پیشینه پژوهش

پیشینه نظری

ظرفیت دولت مفهومی حایز اهمیت در بسیاری از حوزه‌های علوم انسانی مانند علوم سیاسی (اوترویک، ۲۰۱۳)، جامعه‌شناسی (اونس و راوچ، ۱۹۹۹)، روابط بین‌الملل (هندریکس، ۲۰۱۰)، اقتصاد و تاریخ اقتصادی (عاصم اوغلو، تیچی و ویندیگنی، ۲۰۱۱) و اداره امور عمومی (ویر، ۱۹۵۸) می‌باشد. در نتیجه مبتنی بر هر یک از حوزه‌های فوق تا کنون تعاریف متفاوتی درباره مفهوم ظرفیت دولت ارایه گردیده که هر کدام بر یکی از ابعاد توانمندی‌های دولت تاکید نموده‌اند. بسلی و پیرسون^۵ (۲۰۱۱) ظرفیت دولت را به عنوان "توانایی‌های دولت برای انجام خط‌مشی‌های مختلف که منجر به ارایه کالاها و خدمات عمومی به خانوارها و بنگاه‌ها می‌شود"

1 - Emerging Markets and Developing Economies (EMDEs)

2 - Strategic Rent

3 - Natural Resource Rent

4 - Cross-sectional regression analysis

5 - Besley and Persson

تعریف نموده‌اند. دینسکو^۱ (۲۰۱۷، ص ۲) اینگونه ظرفیت دولت را توضیح می‌دهد: "توانمندی دولت جهت انجام خطمشی‌های مطلوبش در حوزه‌های اقتصادی، مالی و غیره". جانسون و کویاما^۲ (۲۰۱۷، ص ۲) این‌گونه بیان می‌کنند که "ظرفیت دولت توضیح دهنده توانمندی دولت در جمع‌آوری مالیات‌ها، اجرای نظم و قانون و ارایه کالاهای عمومی می‌باشد".

با توجه به تعاریف ارایه گردیده توسط پژوهشگران مختلف در ارتباط با ظرفیت دولت و مفاهیم به کار رفته در آنها می‌توان ظرفیت دولت را به عنوان "توانمندی‌های نهادی دولت در جمع‌آوری مالیات از طریق فرآیندهای بوروکراتیک و اداری حرفه‌ای در راستای طراحی و عملیاتی‌سازی خطمشی‌ها و اجرای قانون با استفاده مشروع از قدرت نظامی و با هدف رساندن مطلوبیت به شهروندان در داخل مرزهای یک سرزمین معین" تعریف نمود. همانگونه که در تعریف قابل مشاهده است، اصلی‌ترین ابعاد ظرفیت دولت عبارتند از ظرفیت مالیه^۳، ظرفیت اداری و بوروکراتیک^۴، ظرفیت نظامی^۵، ظرفیت قانونی^۶ و ظرفیت زیرساختی^۷ که هر کدام به تفکیک در ادامه توضیح داده خواهند شد.

ظرفیت مالیه عبارت است از توانایی دولت در ایجاد درآمدهای پایدار که برای طراحی و اجرای خطمشی‌ها و ارایه کالاها و خدمات عمومی لازم و ضروری می‌باشند (بسلی و پرسون، ۲۰۰۹؛ عاصم اوغلو، تیچی و ویندیگنی، ۲۰۱۱). ظرفیت مالیه به دولت‌ها کمک می‌کند تا بر محدودیت‌های مالی در اجرای خطمشی‌های عمومی غلبه نمایند. بر این اساس، دینسکو (۲۰۱۷)، ظرفیت مالیه را به عنوان بعد محوری مفهوم ظرفیت دولت بیان نموده و این‌گونه توضیح می‌دهد که دولت‌های دارای منابع مالی عمومی مورد نیاز احتمالاً قادر خواهند بود تا به صورتی کارا تر نقش توسعه‌ای خود را ایفاء نمایند.

¹ - Dincecco

² - Johnson & Koyama

³ - Fiscal Capacity

⁴ - Administrative and Bureaucratic Capacity

⁵ - Military Capacity

⁶ - Legal Capacity

⁷ - Legal Capacity

تقویت ظرفیت بوراکراتیک و اداری اصلی‌ترین ویژگی ساخت دولت در ایالات متحده آمریکا طی عصر ترقی خواهی^۱ بود. این موضوع از طریق جایگزینی منصوبین سیاسی نالایق با بوروکرات‌های حرفه‌ای و تحصیل کرده صورت پذیرفت (فوکویاما، ۲۰۱۳). هنسون و سیگمن^۲ (۲۰۱۳) و ساوویا و سن^۳ (۲۰۱۵) ظرفیت بوروکراتیک و اداری را به عنوان توانایی دولت در طراحی و اجرای خطمشی‌ها و ارایه کالاها و خدمات عمومی تعریف نموده‌اند. ظرفیت اداری و بوروکراتیک از طریق استفاده از شایستگی‌های فنی، کارمندان حرفه‌ای و قابل اعتماد، نظارت کارا، مکانیسم‌های هماهنگی و بوروکراسی مستقل ارتقاء پیدا می‌کند (کوچر، ۲۰۰۳؛ هنسون و سیگمن، ۲۰۱۳؛ فوکویاما، ۲۰۱۳).

ظرفیت قانونی عبارت است از توانایی دولت در اجرای قوانین و حفاظت از حقوق مالکیت (کردنس، ۲۰۱۰). ظرفیت قانونی حداقل توانایی مورد نیاز دولت‌ها جهت ارتقاء رشد اقتصادی و دستیابی به اهداف توسعه می‌باشد (بسلی و پرسون، ۲۰۰۹، ۲۰۰۱؛ کولیر، ۲۰۰۹).

ظرفیت زیرساختی به دامنه جغرافیایی اشاره داشته که یک دولت دارای کنترل بر روی آن می‌باشد. به عبارتی دیگر، مساحت جغرافیایی که دولت در داخل آن قادر به اجرای قانون و ارایه کالاها و خدمات عمومی است را ظرفیت زیرساختی می‌نامند (من، ۲۰۰۸؛ سویفر و وم‌هایو، ۲۰۰۸).

نهایتاً، ظرفیت نظامی بیانگر توانمندی دولت در مواجهه با چالش‌های امنیتی داخلی و خارجی می‌باشد (ساوویا و سن، ۲۰۱۵). به عبارتی دیگر ظرفیت نظامی بیانگر توانایی دولت در حفاظت از مرزهایش برابر تهدیدهای خارجی، حفظ نظم داخلی و عملیاتی‌سازی خط مشی‌ها است (هنسون و سیگمن، ۲۰۱۳).

علیرغم شناخت نسبی از مفهوم ظرفیت دولت، ادبیات موجود در حوزه عوامل شکل‌دهنده ظرفیت دولت همچنان جوان بوده و نیازمند پژوهش بیشتر می‌باشد (ساوویا و سن، ۲۰۱۵). متغیرهایی که

¹ - Progressive Era

² - Hanson and Sigman

³ - Savoia and Sen

تا کنون به عنوان عوامل شکل دهنده ظرفیت دولت شناسایی شده در چهار گروه اصلی مشتمل بر عوامل تاریخی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قابل طبقه‌بندی می‌باشند.

مبتنی بر ادبیات پژوهشی موجود، لحاظ نمودن اتفاقات تاریخی برای درک تحولات نهادهای سیاسی در کشورها ضروری می‌باشند (نان، ۲۰۰۹). این اتفاقات تاریخی تاثیرات حایز اهمیتی را بر روی شکل‌دهی توانمندی‌های دولت‌ها دارا می‌باشند. برخی از این اتفاقات تاریخی موثر بر ظرفیت دولت‌ها عبارتند از تاریخچه تشکیل دولت (بوکستیت، چندا و پوترمن، ۲۰۰۲)، تعارضات خارجی (بسلی و پیرسون، ۲۰۰۹)، منشاءهای قانونی (لاپورتا، لویز د سیلانس، شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۹). راهبردهای استعماری (ساوویا و سن، ۲۰۱۵) و مداخلات خارجی (مور، ۲۰۰۱).

در گروه دوم متغیرهای سیاسی اصلی‌ترین عامل تاثیرگذار بر شکل‌دهی ظرفیت دولت می‌باشند (ساوویا و سن، ۲۰۱۵). برخی از این متغیرهای سیاسی عبارتند از فرقه‌گرایی، انگیزه‌ها و شیوه استخدام در بوروکراسی (ساوویا و سن، ۲۰۱۵)، محدودیت‌های موجود بر مقامات اجرایی (ساوویا و سن، ۲۰۱۵)، دموکراسی سیاسی (بسلی و پیرسون، ۲۰۰۹) و ائتلاف حاکم (ووم هابو، ۲۰۱۳). در گروه سوم عوامل اجتماعی تاثیرگذار بر روی ظرفیت دولت عبارتند از فرهنگ و سرمایه اجتماعی (جانسون و کویاما، ۲۰۱۷) و نهایتاً در گروه چهارم متغیرهای اقتصادی موثر بر ظرفیت دولت عبارتند از نابرابری در جامعه (کاردناس، ۲۰۱۰)، جهانی شدن (سنتنو، ۲۰۰۹) و منابع درآمد عمومی (مور، ۲۰۰۱) که موضوع این پژوهش می‌باشند.

در ارتباط با تاثیر منابع درآمد عمومی بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی مباحثه‌ای تاریخی میان اندیشمندان حوزه اداره دولت وجود دارد (مور، ۲۰۰۷). پارادایم جامعه‌شناسی مالیه نوین اینگونه بیان می‌کند که منابع مختلف درآمدهای عمومی دولت قادر هستند تا تفاوت‌ها در شکل‌دهی توانمندی دولت‌ها و نحوه تعامل دولت با شهروندان را توضیح دهند (مور، ۲۰۰۴). رویکرد جامعه‌شناسی مالیه نوین که توسط گولدشید و شومپتر پدید آمد اینگونه بیان می‌کند که منابع درآمدهای عمومی دولت دارای پیامدهای اجتماعی و سیاسی می‌باشند (مک لور، ۲۰۰۳). تری

کارل^۱ (۱۹۹۷، ص ۱۳) در کتاب خود با عنوان "تضاد فراوانی"^۲ اینگونه بیان می‌کند: "اینکه یک دولت متکی به درآمدهای مالیاتی ناشی از صنایع استخراجی، محصولات کشاورزی، کمک‌های خارجی، منابع مالی ارسالی توسط مهاجرین^۳ و یا استقراض خارجی است، موضوعی درخور توجه می‌باشد. زیرا صرف نظر از منافع اقتصادی و یا اجتماعی این منابع درآمدی، این موضوع تاثیر حایز اهمیتی بر روی توسعه نهادی دولت‌ها و توانایی آن‌ها برای به کارگیری نیروی انسانی، تامین یارانه برنامه‌های اجتماعی و اقتصادی، ایجاد سازمان‌های جدید و هدایت فعالیت‌ها به سمت منافع خصوصی دارد. به عبارت ساده‌تر، نوع درآمدی که یک دولت جمع‌آوری می‌کند، شیوه جمع‌آوری این درآمد و نحوه استفاده از آن، ماهیت دولت را تعریف می‌کند".

دولت‌ها در سراسر جهان بایستی انتخاب نموده که یا از طریق ایجاد نظام‌های مالیاتی کارا، درآمد عمومی خود را از طریق منابع مالیاتی و مبتنی بر تعامل با دامنه وسیعی از شهروندان تامین نموده و یا اینکه با دامنه محدودی از دیگر بازیگران مانند اهداء کنندگان مالی بین‌المللی و تعداد کمی از شرکت‌های نفتی و معدنی جهت کسب درآمدهای رانتی در تعامل باشند (مور، ۲۰۰۷). مبتنی بر این تصمیم نخبگان سیاسی، دولت‌ها در سراسر جهان در دو گروه اصلی طبقه‌بندی شده که عبارتند از دولت‌های رانتی^۴ که به صورت وسیعی متکی به درآمدهای بادآورده و رانتی بوده که جهت اکتساب آن تلاش‌های سازمانی و سیاسی کمی مورد نیاز است (مور، ۲۰۰۱) و دولت‌های مالیاتی^۵ که به صورت وسیعی به درآمدهای ناشی از کسب مالیات متکی بوده و نیاز به تلاش‌های سازمانی، بوروکراتیک و سیاسی دارند (مور، ۲۰۰۴). این انواع درآمدهای عمومی از طریق شکل‌دهی به انگیزه‌های رهبران سیاسی نقش حایز اهمیتی را بر روی تشکیل دولت‌ها و شکل‌دهی ظرفیت دولت در کشورهای مختلف جهان بر عهده دارند.

^۱ - Terry Karl

^۲ - Paradox of Plenty

^۳ - Remittance

^۴ - Rentier State

^۵ - Tax State

پیشینه تجربی

دو گروه اصلی از درآمدهای رانتی عبارتند از رانت استراتژیک^۱ و رانت منابع طبیعی^۲. هر یک از این دو گروه درآمدی از طرق متفاوت و منحصر به فردی بر روی ظرفیت دولت تاثیرگذار می‌باشند. اصلی‌ترین نوع رانت استراتژیک عبارت است از انواع اشکال کمک‌های توسعه‌ای^۳ (مور، ۲۰۰۴). از اوایل دهه ۱۹۹۰، پژوهشگرانی مانند براوتیگام^۴ (۱۹۹۲) و لنکستر^۵ (۱۹۹۳) آغاز نمودند به ارزیابی پیامدهای استفاده از کمک‌های توسعه‌ای بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی به عنوان بازیگران اصلی تحقق اهداف توسعه (برزیس، ۲۰۱۶). با این حال پژوهشگران در ارتباط با تاثیر کمک‌های مالی اعطایی بر روی نهادهای سیاسی مانند ظرفیت دولت موفق به اجماع نگردیده‌اند. در حالیکه توضیحات نظری معتبری وجود دارد که کمک‌های توسعه‌ای می‌توانند جهت بهبود نهادهای حکمرانی مورد استفاده قرار گیرند، در سمت دیگر مبتنی بر یافته‌های برخی از مطالعات تجربی، کمک‌های مالی خارجی منجر به تضعیف کیفیت نهادهای سیاسی گردیده‌اند (برزیس، ۲۰۱۶). عمده یافته‌های پژوهشی دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ اینگونه بیان نمودند که کمک‌های مالی خارجی موجب تضعیف کیفیت نهادهای حکمرانی گردیده‌اند (مور ۲۰۰۱). میزان این تاثیر به نحوی بود که دجانکو^۶، مونتالوو^۷ و کوپرول^۸ (۲۰۰۸) بیان نمودند که کمک‌های خارجی نفرینی مخرب‌تر از نفت هستند. جهت تشریح علل این موضوع، پژوهشگران دلایل متفاوتی را بیان نمودند. گروسمن^۹ (۱۹۹۲) توضیح می‌دهد که کمک‌های مالی خارجی از طریق افزایش پاداش کنترل حکومت منجر به ایجاد بی‌ثباتی سیاسی در کشورها می‌گردند. کارل (۱۹۹۷) و مور (۱۹۹۸) اینگونه بیان می‌کنند که کمک‌های خارجی از طریق کاهش وابستگی نخبگان سیاسی به شهروندان برای تامین درآمد عمومی، منجر به ایجاد مانع جهت تحقق اهداف

¹ - Strategic Rent

² - Natural Resource Rent

³ - Development Aid and Grants

⁴ - Brautigam

⁵ - Lancaster

⁶ - Djankov

⁷ - Montalvo

⁸ - Querol

⁹ - Grossman

توسعه می‌شوند. در همین راستا نک^۱ (۲۰۰۱) توضیح می‌دهد که دولت‌های متکی بر کمک‌های مالی خارجی به جای اینکه پاسخگو شهروندان‌شان باشند در وهله نخست پاسخگو اهداکنندگان مالی خارجی می‌باشند. علاوه بر این، رمر^۲ (۲۰۰۴) توضیح می‌دهد که کشورهای متکی به کمک‌های مالی خارجی انگیزه کافی برای تقویت ساختارها و رویه‌های مورد نیاز نظام مالیاتی را دارا نمی‌باشند (مور، ۲۰۰۷). کمک‌های خارجی موجب تقویت رفتارهای رانت جویانه^۳ شده که دارای تاثیر منفی بر روی کیفیت بخش عمومی و کنترل فساد می‌باشند. افزایش کمک‌های خارجی موجب ایجاد این انگیزه در شهروندان شده تا به جای کسب دانش و مهارت‌های مورد نیاز برای کارآفرینی و تولید، مهارت‌هایی را مانند شبکه‌سازی‌های سیاسی و لابی‌گری به دست آورده که در رفتارهای رانت جویانه مفید می‌باشند (نک، ۲۰۰۱). بنابراین افراد نخبه و با استعداد شروع به حرکت از فعالیت‌های تولیدی به فعالیت‌های باز توزیعی می‌نمایند (نک، ۲۰۰۱). نهایتاً، یک بخش عمومی بزرگ که وابسته به کمک‌های خارجی است فرصت‌های بیشتری را برای فساد، خویشاندگرایی، حامی‌پروری و پارتی‌بازی فراهم می‌آورد (نک، ۲۰۰۱؛ برزیس، ۲۰۱۶).

گروهی دیگر از تحلیل‌گران اینگونه بیان می‌نمایند که کمک‌های مالی خارجی تاثیر حایز اهمیتی را بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی دارا نمی‌باشند (کراوفورد، ۱۹۹۷؛ کولیر، ۱۹۹۷؛ دلار و پریچت، ۱۹۹۸؛ استیگلیتز، ۱۹۹۹؛ کاپور و وب، ۲۰۰۰، براوتیگام و نک، ۲۰۰۴). گروه سوم از پژوهشگران معتقدند که کمک‌های مالی خارجی منجر به بهبود کیفیت نهادهای حکمرانی گردیده‌اند. عمده این پژوهش‌ها در نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ انجام پذیرفته و علت ادعای متفاوت این گروه را بایستی در اتفاقات تاریخی رخ داده در شیوه عملیاتی‌سازی کمک‌های خارجی از سال ۲۰۰۵ به بعد جستجو نمود. در دهه ۱۹۸۰، مقررات زدایی^۴ و خصوصی‌سازی^۵ در سرلیست نئولیبرال^۶ دستورات اجرایی اهداء کنندگان مالی مانند صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

^۱ - Knack

^۲ - Remmer

^۳ - Rent Seeking

^۴ - Deregulation

^۵ - Privatization

^۶ - Neoliberal

جهت هدایت کشورهای توسعه نیافته و در حال توسعه به سوی رشد اقتصادی قرار گرفت. اما خیلی زود متولیان این نهادها متوجه شدند که نهادهای دولتی کارآمد اصلی‌ترین زیرساخت مورد نیاز تحقق نظام بازار کارآمد می‌باشد (فوکویاما، ۲۰۱۶). بنابراین پس از اجماع پاریس در سال ۲۰۰۵ و پذیرش پیامدهای منفی کمک‌های مالی خارجی، اهداء کنندگان کمک‌های خارجی از شاخص‌های حکمرانی مانند مبارزه با فساد به عنوان پیش شرط‌های ارایه کمک‌های مالی خارجی استفاده نمودند (دیجکسترا، ۲۰۱۸). در نتیجه تغییرات صورت پذیرفته پس از اجماع پاریس، عمده پژوهشگران فعلی بیان نمودند که کمک‌های مالی خارجی ابزاری کارآمد در توسعه نهادهای حکمرانی می‌باشند. موس^۱، گلندر^۲ و ون د وال^۳ (۲۰۰۶) اینگونه بیان نمودند که هیچ نمونه‌ای از پیامدهای نامناسب کمک‌های خارجی بر روی نهادهای حکمرانی وجود ندارد. آرندت^۴، جونز^۵ و تارپ^۶ (۲۰۱۵) بیان کردند که در بلند مدت، کمک‌های خارجی موجب کاهش فقر شده و تاثیر مثبت حایز اهمیتی را بر روی سرمایه‌گذاری، درآمدها و مخارج دولت و پیامدهای اجتماعی دارا می‌باشند. آنها این‌گونه توضیح دادند که بر اساس تجارب دهه گذشته هیچ دلیلی برای متوقف نمودن جریان کمک‌های خارجی وجود ندارد. مبتنی بر این پژوهش‌ها، یافته‌ها در ارتباط با پیامد کمک‌های خارجی بر روی ظرفیت، کاهش فساد و ارتقاء ثبات سیاسی به تدریج بهبود یافت. دلیل اصلی این موضوع فشاری بود که بر روی نهادهای حکومتی و غیرحکومتی جهت ارایه مستندات مربوط به کارایی کمک‌های توسعه‌ای وارد آمد (جکوپک و کلی، ۲۰۱۶؛ دیجکسترا، ۲۰۱۸). همچنین باید این موضوع را مد نظر قرار دهیم که کمک‌های مالی خارجی دارای پیامدهای غیرمستقیم نیز بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی می‌باشند. به عنوان مثال، کمک‌های خارجی موجب ارتقاء سطح تحصیلات افراد شده که این موضوع نیز دارای تاثیر مثبت بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی می‌باشد (دیجکسترا، ۲۰۰۸).

¹ - Moss

² - Gelande

³ - Van de Walle

⁴ - Arndt

⁵ - Jones

⁶ - Tarp

دومین منبع ایجاد درآمد رانتهی مربوط به رانتهی منابع طبیعی است. پس از اولین شوک نفتی در دهه ۱۹۷۰، رانتهی منابع طبیعی تبدیل به یکی از اصلی‌ترین منابع درآمدی برای بسیاری از دولت‌ها گردیده است (بیلوی، ۱۹۸۷). رانتهی منابع طبیعی درآمدی است که بسیاری از دولت‌ها از طریق استخراج و صادرات منابع طبیعی مانند نفت، گاز و محصولات معدنی به دست می‌آورند (مور، ۲۰۰۷). این گونه از رانتهی به دلیل ارزش منابع طبیعی برای کشورهای پیشرفته و توسعه یافته، ایجاد گردیده است (مور، ۲۰۰۷). این منبع درآمد عمومی نقش حایز اهمیتی را در اقتصادهای فاقد ظرفیت مورد نیاز جهت ایجاد ارزش افزوده در بخش تولید، عهده‌دار می‌باشد (مور، ۲۰۰۷). کشورهایی که دارای این منابع غنی طبیعی می‌باشند در دو گروه برندگان و بازندگان استفاده از رانتهی منابع طبیعی تقسیم شده‌اند (مهلوم، موئن و تورویک، ۲۰۰۶). کشورهایی مانند نیجریه، زامبیا، سیرالئون، آنگولا، عربستان سعودی و ونزوئلا بازندگان استفاده از منابع طبیعی و کشورهایی مانند کانادا، استرالیا و نروژ برندگان استفاده از منابع طبیعی می‌باشند (بانک جهانی، ۱۹۹۷).

پژوهش‌گران تا کنون موفق به تشریح چندین مسیر سیاسی که از طریق آن رانتهی منابع طبیعی بر روی نهادهای سیاسی تاثیرگذار هستند، شده‌اند (ساوویا و سن، ۲۰۱۵؛ ایشام، وولکاک، پریچت و باسبی، ۲۰۰۵). مور (۲۰۱۴) اینگونه بیان نمود که دولت‌های نفتی مستقل از شهروندان خود به عنوان مالیات‌پردازان بالقوه عمل می‌نمایند. بنابراین رهبران سیاسی انگیزه کافی را برای جایگزینی رانتهی منابع طبیعی با درآمد مالیاتی را دارا نمی‌باشند. این دولت‌ها هیچ حق دموکراتیکی را برای شهروندان خود قایل نبوده و انگیزه کافی را برای مسئولیت‌پذیری در برابر آنان دارا نمی‌باشند (لوسیانی، ۱۹۹۴؛ شوارز، ۲۰۰۴؛ مور، ۲۰۰۴). حتی، در برخی موارد دولت‌های رانتهی که دارای مشروعیت نبوده، تلاش می‌کنند تا از طریق کسب حمایت نظامی و سیاسی خارجی خود را در قدرت حفظ نمایند (مور، ۲۰۰۴). رانتهی منابع طبیعی پاداش کنترل نهادهای حکمرانی را افزایش داده و موجب ایجاد وسوسه در گروه‌هایی می‌شود که قدرت را در دست ندارند. تحت این شرایط، احتمال کودتا و مداخله سیاسی و نظامی خارجی به صورت حایز اهمیتی افزایش پیدا می‌نماید

(مور، ۲۰۰۴). کولیر و هافلر^۱ (۱۹۹۸) و فیرون^۲ (۲۰۰۵) توضیح دادند که رانتهی منابع طبیعی می‌تواند منجر به افزایش احتمال جنگ‌های داخلی گردد (امیری، صمدیان، یاهو و جمالی، ۲۰۱۹). عدم شفافیت در مخارج عمومی یکی دیگر از پیامدهای ناخوشایند رانتهی منابع طبیعی می‌باشد. در این اقتصادها به دلیل رشد خارج از کنترل بنگاه‌های دولتی و شبه دولتی و روشی که این بنگاه‌ها بودجه عمومی را مصرف می‌نمایند، قانونگذاران توانایی کمی برای نظارت بر مخارج عمومی دارند (مور، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷). علاوه بر این، رانتهی منابع طبیعی منجر به ایجاد فرصت برای رفتارهای رانتهی جویانه و فساد می‌گردد (لیت و ویدمن، ۱۹۹۹؛ آرزکی و بروکنر، ۲۰۰۹؛ فرنکل، ۲۰۱۰). در این اقتصادها، ذینفعان اصلی رانتهی، افراد داخل حلقه قدرت و یا وابستگان آنها می‌باشند (امیری، صمدیان، یاهو و جمالی، ۲۰۱۹). نهایتاً، بوروکراسی‌های ناکارآمد از دیگر ویژگی‌های دولت‌های رانتهی می‌باشند. در این اقتصادها، انگیزه کافی برای توسعه یک بخش عمومی کارآمد وجود نداشته (مور، ۲۰۰۴) و رانتهی منابع طبیعی موجب افزایش اندازه بخش عمومی می‌گردد. تحت این شرایط، حکومت‌ها با استفاده از رانتهی منابع طبیعی نسبت به استخدام افراد مازاد و ناکارآمد اقدام می‌نمایند (امیری، صمدیان، یاهو و جمالی، ۲۰۱۹).

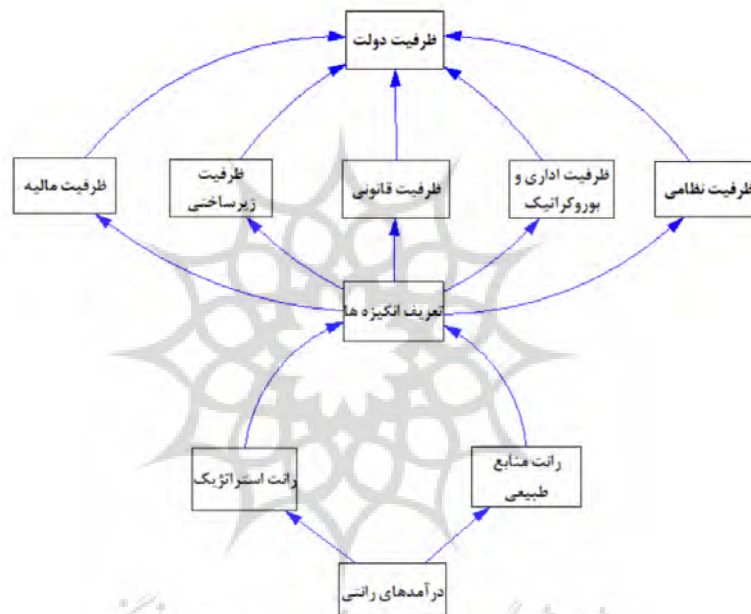
شایان ذکر است که رانتهی منابع طبیعی تاثیر منفی ضعیفی را در کشورهایی که دارای ضمانت‌های اجرایی قوی، رویه‌ها و بدنه قانونی و قضایی مستقل هستند دارا می‌باشد. بنابراین مبتنی بر کیفیت نهادهای حکمرانی مانند وجود محدودیت در اعمال قدرت، رانتهی منابع طبیعی می‌تواند یک نفرین و یا یک منبع نعمت باشد (مهلوم، موئن و تورویک، ۲۰۰۶؛ بلند و تیاگی، ۲۰۰۹؛ وینز، ۲۰۱۳، ۲۰۱۴).

¹ - Collier and Hoeffler

² - Fearon

مدل مفهومی

مبتنی بر پیشینه نظری و تجربی موجود در ارتباط با پیامدهای منابع درآمد عمومی دولت بر ظرفیت دولت، اصلی‌ترین مکانیسم تاثیرگذاری منابع درآمد عمومی دولت بر رو ظرفیت دولت از طریق شکل‌دهی به انگیزه‌های رهبران سیاسی می‌باشد. مدل مفهومی رابطه میان درآمدهای رانتی و بادآورده و ظرفیت دولت در شکل ۱ نمایش داده شده‌اند.



شکل ۱. مدل مفهومی تاثیر درآمدهای رانتی بر ظرفیت دولت

روش‌شناسی پژوهش

اصلی‌ترین هدف این پژوهش تخمین پیامدهای درآمدهای رانتی بر روی ظرفیت دولت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد. تغییرات در ظرفیت دولت از طریق تحولات نهادی صورت پذیرفته و فرآیندی بلند مدت است که به صورت تدریجی و آهسته

صورت می‌پذیرد. با در نظر گرفتن تغییرات بسیار آهسته ظرفیت دولت، تحلیل رگرسیون مقطعی^۱ بر روی میانگین شاخص‌ها مورد استفاده در مدل پژوهش مناسب‌ترین روش برای ارزیابی پیامدهای درآمدهای رانتی بر روی ظرفیت دولت می‌باشد. برای ارزیابی این رابطه، دو فرضیه مبتنی بر دو گروه اصلی درآمد رانتی به شرح ذیل طراحی گردیده است:

≠ **فرضیه ۱** :: رانت استراتژیک دارای تاثیر مثبت بر روی ظرفیت دولت در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد.

≠ **فرضیه ۲** : رانت منابع طبیعی دارای تاثیر منفی بر روی ظرفیت دولت در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد.

صندوق بین‌المللی پول^۲ کشورها را بر اساس سه ویژگی به اقتصادهای توسعه یافته و بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه تقسیم می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از (۱) سطح درآمد سرانه، (۲) تنوع صادرات و (۳) میزان ادغام در نظام مالی جهانی (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۱۹). نمونه مورد استفاده در این پژوهش متشکل از ۱۰۶ کشور بوده که نماینده مناسبی برای گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشند. بازه زمانی پژوهش حاضر مربوط به سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷ بوده که این بازه زمانی مبتنی بر دسترسی به داده‌های مورد نیاز در مدل پژوهش انتخاب گردیده است. به دلیل محدودیت داده موجود در ارتباط با داده‌های حکمرانی خوب بانک جهانی، سنوات قبل از ۲۰۰۲ قابل ارزیابی در این پژوهش نمی‌باشند. جدول ۱ متغیرهای مورد استفاده در این مدل پژوهشی را نمایش می‌دهد.

جدول ۱. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش

| عنوان | نماد | شاخص مورد استفاده | مشاهدات | سنوات | منبع | به روز رسانی |
|------------------|-----------|--------------------------|---------|---------------|------------|--------------|
| ظرفیت دولت | GE | Government Effectiveness | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۹ |
| رانت نفتی | OILGDP | Oil Rent/GDP | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ |
| رانت منابع جنگلی | FORESTGDP | Forest Rent/GDP | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ |

¹ - Cross-section regression

² - IMF

ادامه جدول ۱. متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش

| عنوان | نماد | شاخص مورد استفاده | مشاهدات | سنوات | منبع | به روز رسانی |
|-------------------------|------------|--|---------|---------------|---------------|--------------|
| رانت ذغال سنگ | COALRENT | Coal Rent/GDP | ۱۰۵ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ |
| رانت مواد معدنی | MINERALGDP | Mineral Rent/GDP | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ |
| رانت نفتی | OILGDP | Oil Rent/GDP | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ |
| رانت گاز طبیعی | GASGDP | Natural Gas/GDP | ۱۰۴ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ |
| کمک های خارجی دریافتی | ODAGNI | Net ODA Received (% of GNI) | ۹۰ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۹ |
| ثبات سیاسی | PS | Political Stability and Absence of Violence | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۹ |
| درآمد سرانه | LogGDPPC | Log real GDP Per Capita | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۹ |
| بدهی خارجی | EXDBT | External Debt Stocks (% of GNI) | ۸۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۹ |
| تراکم جمعیت | POP1 | Population Density | ۱۰۳ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۸ |
| میزان تاریخی ظرفیت دولت | IGE1996 | Initial Level of State Capacity (Government Effectiveness in 1996) | ۱۰۶ | -۲۰۰۲ ۲۰۱۷ | بانک جهانی | ۲۰۱۹ |

بر اساس هدف پژوهش، مدل مورد استفاده با هدف تخمین رابطه میان درآمدهای رانتی (رانت استراتژیک و رانت منابع طبیعی) و ظرفیت دولت به شرح ذیل طراحی گردیده است:

$$State\ Capacity = \beta_0 + \beta_1 Strategic\ Rent + \beta_2 Natural\ Resources\ Rent + \beta_3 X_i + \varepsilon_i$$

اصلی‌ترین هدف تحلیل رگرسیون، توضیح نوسانات یک متغیر وابسته از طریق مدلی از متغیرهای مستقل می‌باشد (مخرجه، وایت و ویویس، ۲۰۱۳). متغیر وابسته در این مدل ظرفیت دولتی بوده که در بخش چپ معادله نوشته شده است. شاخص "اثربخشی حکومت"^۱ یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب ارایه گردیده توسط بانک جهانی بوده که برای سنجش ظرفیت دولت در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه در این مدل مورد استفاده قرار گرفته و یکی از متداول‌ترین شاخص‌های مورد استفاده در پژوهش‌های مختلف برای اندازه‌گیری ظرفیت دولت می‌باشد. بر اساس تعریف بانک جهانی (۲۰۱۹)، اثربخشی حکومت عبارت است از "ادراک از کیفیت خدمات عمومی و ارایه خدمات به شهروندان، میزان استقلال بخش عمومی از فشارهای سیاسی، کیفیت طراحی و اجرای خط‌مشی‌ها و تعهد حاکمیت به اجرای خط‌مشی‌ها". اصلی‌ترین مزیت استفاده از شاخص اثربخشی حکومت این است که شاخصی کارا و جامع برای اندازه‌گیری مفهوم ظرفیت دولت می‌باشد. امتیاز شاخص اثربخشی حکومت در کشورهای مختلف دارای دامنه‌ای از منفی ۲.۵ تا مثبت ۲.۵ بوده و توزیع آن به صورت نرمال می‌باشد (بانک جهانی، ۲۰۱۹). دو گروه اصلی از متغیرهای مستقل که در این مدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از (۱) متغیرهای توضیح دهنده^۲ و (۲) متغیرهای کنترل^۳. رانت استراتژیک و رانت منابع طبیعی به عنوان دو گروه اصلی از درآمدهای رانتی دولت به عنوان متغیرهای توضیح دهنده مدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند. جهت اندازه‌گیری رانت استراتژیک، پژوهشگران دو شاخص اصلی را مورد استفاده قرار داده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از "خالص کمک‌های توسعه‌ای رسمی دریافتی"^۴ (درصد از درآمد ناخالص ملی) و "خالص کمک‌های توسعه‌ای رسمی دریافتی"^۵ (درصد از تولید ناخالص داخلی) (نک، ۲۰۰۰). در این پروژه پژوهشی، "خالص کمک‌های توسعه‌ای رسمی دریافتی (به درآمد ناخالص ملی)" برای اندازه‌گیری رانت استراتژیک در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. "رانت منابع طبیعی (درصد از تولید ناخالص داخلی)"^۶ رایج‌ترین شاخص مورد استفاده برای اندازه‌گیری رانت منابع طبیعی است (مسی، ساوویا و سن، ۲۰۱۸) که در این پژوهش به عنوان

^۱ - Government Effectiveness (GE)

^۲ - Explanatory Variables

^۳ - Control Variables

^۴ - Net Official Development Assistance (ODA) Received (% of GNI)

^۵ - Net Official Development Assistance (ODA) Received (% of GDP)

^۶ - Natural Resource Rents (% of GDP)

دومین متغیر توضیح دهنده مورد استفاده قرار گرفته است. برخی از مطالعات صورت پذیرفته اینگونه بیان می‌نمایند که منابع مختلف طبیعی دارای پیامدهای متفاوتی بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی می‌باشند (ایشام، وولکاک، پریچت و بازبی، ۲۰۰۵؛ بوسچینی، پیترسون و روین، ۲۰۰۷). بنابراین ممکن است این منابع متفاوت طبیعی به شیوه‌هایی منحصر به فرد و متفاوت اقتصاد و کیفیت نهادهای سیاسی را تحت تاثیر قرار دهند. بنابراین، ارزیابی تاثیر رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت تنها با استفاده از تک شاخص رانت منابع طبیعی (درصد از تولید ناخالص داخلی)، ممکن است موجب ایجاد انحراف درباره تاثیر رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت شود. برای اندازه‌گیری تاثیر منابع مختلف طبیعی بر روی ظرفیت دولت شاخص‌های مختلف که در مدل‌های رگرسیون متفاوت مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از "رانت ذغال سنگ (درصد از تولید ناخالص داخلی)"^۱، "رانت منابع جنگلی (درصد از تولید ناخالص داخلی)"^۲، "رانت مواد معدنی (درصد از تولید ناخالص داخلی)"^۳، "رانت گاز طبیعی (درصد از تولید ناخالص داخلی)"^۴ و "رانت نفتی (درصد از تولید ناخالص داخلی)"^۵.

X_i را در این مدل متغیر کنترل نموده و دیگر عوامل موثر بر ظرفیت دولت می‌باشند که به عنوان متغیرهای موثر بر ظرفیت دولت تعریف می‌گردند. استفاده از این متغیرها موجب ارتقاء مدل در توضیح نوسانات ظرفیت دولت می‌شود. بر اساس ادبیات موجود، متغیرهای کنترل در مدل این پژوهش در سه گروه اصلی مشتمل بر متغیرهای نهادی، متغیرهای اقتصاد کلان و متغیرهای اجتماعی گروه‌بندی می‌شوند. ثبات سیاسی و میزان تاریخی ظرفیت دولت متغیرهای نهادی مورد استفاده در این پژوهش می‌باشند. بسلی و پیترسون^۶ (۲۰۱۱) اینگونه بحث می‌کنند که در کشورهای دارای ثبات سیاسی، انگیزه ارتقاء ظرفیت دولت و سرمایه‌گذاری جهت بهبود آن افزایش پیدا می‌کند. "ثبات سیاسی و نبود خشونت" که توسط بانک جهانی ارائه گردیده، برای اندازه‌گیری ثبات سیاسی در مدل پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، سطوح اولیه اثربخشی حکومت در سال ۱۹۹۶ برای اندازه‌گیری سطوح تاریخی ظرفیت دولت استفاده گردیده

¹ - Coal Rent (% of GDP)

² - Forest Rent (% of GDP)

³ - Mineral Rent (% of GDP)

⁴ - Natural Gas Rent (% of GDP)

⁵ - Oil Rent (% of GDP)

⁶ - Besley and Persson

است. استفاده از این شاخص جهت اندازه‌گیری پدیده وابستگی تاریخی^۱ در ارتباط با مفهوم ظرفیت دولت می‌باشد.

متغیرهای اقتصاد کلان که در این مدل مورد استفاده قرار گرفته‌اند عبارتند از تولید ناخالص داخلی سرانه و بدهی خارجی. افزایش درآمد سرانه می‌تواند موجب ارتقاء ظرفیت دولت از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی به عنوان منبع درآمد عمومی برای طراحی و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و ارایه کالاها و خدمات عمومی گردد (نک، ۲۰۰۰). به دلیل ارتباط غیرخطی میان تولید ناخالص داخلی سرانه و ظرفیت دولت، "لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه" در این مدل مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، ماسی^۲، ساوویا^۳ و سن^۴ (۲۰۱۸) در پژوهش خود اینگونه دریافتند که بدهی خارجی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای اقتصاد کلان موجب کاهش کیفیت ظرفیت دولت، به ویژه در ارتباط با ظرفیت مالیه می‌گردد. شاخص مورد استفاده جهت اندازه‌گیری بدهی خارجی در این پژوهش "میزان بدهی خارجی (درصد از درآمد ناخالص ملی)" می‌باشد.

نهایتاً، تراکم جمعیت به عنوان متغیر اجتماعی در این مدل مورد استفاده قرار گرفته است. ماسی، ساوویا و سن (۲۰۱۸) اینگونه بحث نمودند که ظرفیت دولت در کشورهای با تراکم جمعیت بالا بیشتر است. در پژوهشی دیگر هربست (۲۰۰۰) اینگونه بیان نمود که توسعه ظرفیت مالیه در کشورهایی که جمعیت آنها با تمرکز بیشتر در نواحی شهری قرار دارد با چالش کمتری رو به رو است. برای اندازه‌گیری تراکم جمعیت، شاخص "تراکم جمعیت (جمعیت در هر کیلومتر مربع از نواحی سرزمینی)" مورد استفاده قرار گرفته است. ε_i جزء اخلاص بوده و کلیه عوامل تاثیرگذار بر متغیر وابسته که در مدل لحاظ نگردیده را شامل می‌شود (ریچیوتی، ساوویا و سن، ۲۰۱۸).

در راستای تحلیل رگرسیون تخمین زنده حداقل مربعات معمولی^۵ در این پروژه پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته است. با توجه به استفاده از OLS، مفروضات گاوس مارکوف^۶ درباره OLS شامل خطی بودن^۷، نمونه‌گیری تصادفی^۸، عدم وجود هم خطی کامل^۱، میانگین شرطی صفر^۲، واریانس واریانس^۳ و توزیع نرمال باقی مانده‌ها^۴ مورد آزمون قرار گرفته و همگی برقرار می‌باشند.

¹ - Path Dependency

² - Masi

³ - Savoia

⁴ - Sen

⁵ - Ordinary Least Squares (OLS)

⁶ - Gauss-Markov

⁷ - Linearity

⁸ - Normality of the residuals

یافته‌های پژوهش

جدول ۳، رگرسیون حداقل مربعات معمولی ظرفیت دولت در ارتباط با درآمدهای رانتی را نمایش می‌دهد. ضریب تعیین^۵ مدل برابر ۰/۷۴ بوده و بیانگر این است که تقریباً ۷۴ درصد از تغییرات ظرفیت دولت در میان کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه از طریق مدل طراحی گردیده قابل توضیح و توصیف می‌باشند. مبتنی بر داده‌های جدول ۳، نکته نخست این است که میان خالص کمک‌های توسعه‌ای رسمی دریافتی (درصد از درآمد ناخالص داخلی)^۶ و ظرفیت دولت رابطه مثبت و از منظر آماری حایز اهمیت وجود دارد. این موضوع منطبق با فرضیه نخست پژوهش می‌باشد. درصد از درآمد ناخالص داخلی به عنوان شاخص اندازه‌گیری رانت استراتژیک دارای ضریب همبستگی مثبت (۰/۲۵) بوده که از منظر آماری در سطح اطمینان ۱ درصد حایز اهمیت است. بنابراین ما انتظار داریم به ازای هر ۱ واحد افزایش در "کمک‌های توسعه‌ای رسمی دریافتی (درصد از درآمد ناخالص داخلی)" طی سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷، ظرفیت دولت به میزان ۰/۰۲۵ واحد افزایش پیدا کرده باشد. "رانت منابع طبیعی (درصد از تولید ناخالص داخلی)^۷ دارای همبستگی منفی با ظرفیت دولت می‌باشد. بنابراین، فرضیه دوم پژوهش نیز تأیید می‌گردد. به ازای هر ۱ واحد افزایش در رانت منابع طبیعی طی بازه زمانی مذکور، ظرفیت دولت به میزان ۰/۰۰۸ کاهش پیدا نموده است. این موضوع تأیید کننده پدیده نفرین منابع طبیعی^۸ در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد. "ثبات سیاسی و عدم وجود خشونت^۹ دارای تأثیر مثبت بر روی ظرفیت دولت بوده که این یافته تحلیل رگرسیون نیز منطبق با نظریه‌های موجود می‌باشد. اما همبستگی آن از منظر آماری حایز اهمیت نمی‌باشد. "سطوح اولیه اثربخشی حکومت در سال ۱۹۹۶، به عنوان شاخص تاریخی ظرفیت دولت در سطح اطمینان ۱ درصد دارای همبستگی مثبت می‌باشد. می‌توانیم انتظار داشته باشیم هر یک واحد افزایش در میزان تاریخی ظرفیت دولت موجب ۰/۳۴۶ واحد

¹ - Multicollinearity

² - Zero conditional mean

³ - Homoscedasticity

⁴ - Normality of the residuals

⁵ - R-Squared

^۶ - ODAGNI

⁷ - NATGDP

⁸ - Natural Resource Curse

^۹ - PS

افزایش در ظرفیت دولت در زمان حال گردد. بنابراین همانگونه که قابل مشاهده است وابستگی تاریخی^۱ دارای تاثیر قوی بر روی ظرفیت دولت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد. "بدهی خارجی (درصد از درآمد ناخالص ملی)^۲ در سطح اطمینان ۱ درصد دارای تاثیر منفی بر روی ظرفیت دولت می‌باشد. این یافته نیز با انتظارات نظری پژوهش در انطباق است. به ازای هر واحد افزایش در بدهی خارجی، ۰/۰۰۴ واحد ظرفیت دولت کاهش پیدا نموده است. اینگونه به نظر می‌رسد که کشورهای با سهم بالاتر بدهی خارجی، انگیزه کمتری برای توسعه ظرفیت دولت‌های خود دارند. "لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه^۳ دیگر متغیر کنترل مورد استفاده در مدل پژوهش است. مبتنی بر انتظارات، لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه دارای همبستگی مثبت (۰/۲۹۷) بوده که در سطح اطمینان ۱ درصد از منظر آماری حایز اهمیت است. بنابراین ۱ درصد افزایش در لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه با افزایش ۰/۰۰۲۹۷ واحد در ظرفیت دولت در ارتباط است. نهایتاً، "تراکم جمعیت^۴ دارای تاثیر مثبت ضعیف (۰/۰۰۰۵) برای روی ظرفیت دولت است که در سطح اطمینان ۵ درصد از منظر آماری حایز اهمیت است.

همان‌گونه که در بالا اشاره گردید و مبتنی بر یافته‌های تحلیل رگرسیون، رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت دارای پیامد منفی است. اما برخی از مطالعات اینگونه بیان می‌کنند که این نفرین مرتبط با برخی از انواع منابع طبیعی می‌باشد (ایشام، وولکاک، پریچت و باسبی، ۲۰۰۵). بنابراین در ادامه پژوهش، تاثیر هر گروه از منابع طبیعی (مشمول بر نفت، ذغال سنگ، جنگل، مواد معدنی و گاز) به صورتی جداگانه مورد ارزیابی قرار گرفته است. در ستون ۲، تاثیر "رانت نفتی (درصد از تولید ناخالص داخلی)^۵ بر روی ظرفیت دولت تخمین زده شده است. مبتنی بر تحلیل رگرسیون رانت نفتی دارای همبستگی منفی با ظرفیت دولت بوده که در سطح اطمینان ۵ درصد از منظر آماری حایز اهمیت می‌باشد. این انتظار می‌رود که به ازای هر واحد افزایش در رانت نفتی، ظرفیت دولت به میزان ۰/۰۱۲ واحد کاهش پیدا کرده باشد. "رانت ذغال سنگ (درصد از تولید ناخالص داخلی)^۶ و "رانت منابع جنگلی (درصد از درآمد ناخالص ملی)" دارای

^۱ - Path Dependency

^۲ - EXDBT

^۳ - LogGDPPC

^۴ - POP1

^۵ - OILGDP

^۶ - COALGDP

همبستگی مثبت با ظرفیت دولت بوده اما این همبستگی از منظر آماری حایز اهمیت نمی‌باشد. نهایتاً، "رانت مواد معدنی (درصد از تولید ناخالص داخلی)" و "رانت گاز طبیعی (درصد از تولید ناخالص داخلی)" دارای همبستگی منفی با ظرفیت دولت بوده که این همبستگی نیز از منظر آماری حایز اهمیت نمی‌باشد. بنابراین، به نظر می‌رسد که نفت اصلی‌ترین دلیل نفرین منابع طبیعی در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه باشد.

جدول ۳. نتایج رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای ظرفیت دولت

| Variables | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
|------------|-------------------------|-------------------------|---------------------|-----------------------|---------------------|---------------------|
| | GE | GE | GE | GE | GE | GE |
| ODAGNI | ***۰/۰۲۵ (۰/۰۰۹) | -۰/۰۲۳ ** (۰/۰۰۹) | **۰/۰۲۴ (۰/۰۱۰) | ۰/۰۲۱ * (۰/۰۱۲) | **۰/۰۲۳ (۰/۰۱۰) | ***۰/۰۲۳ (۰/۰۱۰) |
| NATGDP | -۰/۰۰۸ ** (۰/۰۰۴) | | | | | |
| OILGDP | | -۰/۰۱۲ ** (۰/۰۰۴) | | | | |
| COALGDP | | | ۰/۰۱۹ (۰/۰۳۳) | | | |
| FORESTGDP | | | | ۰/۰۰۴ (۰/۰۱۲) | | |
| MINERALGDP | | | | | -۰/۰۰۳ (۰/۰۰۹) | |
| GASGDP | | | | | | -۰/۰۰۷ (۰/۰۱۹) |
| PS | ۰/۰۸۶ (۰/۰۵۴) | ۰/۰۸۵ (۰/۰۵۳) | ۰/۰۹۱ (۰/۰۵۶) | ۰/۱۰۲ (۰/۰۵۷) | **۰/۰۹۸ (۰/۰۵۹) | ۰/۰۸۸ (۰/۰۵۷) |
| IGE1996 | ***۰/۳۴۶ (۰/۰۷۶) | ***۰/۳۳۹ (۰/۰۷۲) | ***۰/۴۱۰ (۰/۰۷۲) | ***۰/۴۱۰ (۰/۰۷۲) | ***۰/۴۰۶ (۰/۰۷۲) | ***۰/۴۰۳ (۰/۰۷۲) |

جدول ۳. نتایج رگرسیون حداقل مربعات معمولی برای ظرفیت دولت

| Variables | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
|-------------------------|-----------|--------------|--------------|-----------|-----------|-----------|
| | GE | GE | GE | GE | GE | GE |
| EXDBT | ***-۰/۰۰۴ | ***-۰/۰۰۴ | ***۰/۰۰۴ | ***۰/۰۰۳ | ***-۰/۰۰۳ | ***-۰/۰۰۳ |
| | (۰/۰۰۱) | (۰/۰۰۱) | (۰/۰۰۱) | (۰/۰۰۱) | (۰/۰۰۱) | (۰/۰۰۱) |
| LogGDPPC | ***۰/۲۹۷ | **۰/۳۲۷ * | **۰/۲۹۱ * | ***۰/۲۹۰ | ***۰/۲۸۴ | ***۰/۲۸۵ |
| | (۰/۰۵۴) | (۰/۰۵۵) | (۰/۰۵۷) | (۰/۰۵۶) | (۰/۰۵۷) | (۰/۰۵۶) |
| POP1 | **۰/۰۰۰۵ | ***۰/۰۰۰۵ | ***۰/۰۰۰۶ | ***۰/۰۰۰۶ | ***۰/۰۰۰۶ | ***۰/۰۰۰۶ |
| | (۰۰۰۰) | (۰۰۰۰) | (۰۰۰۰) | (۰۰۰۰) | (۰۰۰۰) | (۰۰۰۰) |
| Constant | ***-۲/۴۶۳ | ***-۲/۷۰۹ | ***-۲/۴۶۱ | ***-۲/۴۵۴ | ***-۲/۳۹۹ | ***۲/۴۰۶ |
| | (۰/۴۵۴) | (۰/۴۶) | (۰/۴۷۴) | (۰/۴۷) | (۹/۴۷۸) | (۰/۴۷۳) |
| Number of Countries | ۸۰ | ۸۰ | ۷۹ | ۸۰ | ۸۰ | ۷۸ |
| R ² | ۰/۷۴ | ۰/۷۴ | ۰/۷۲ | ۰/۷۲ | ۰/۷۲ | ۰/۷ |
| Adjusted R ² | ۰/۷۱ | ۰/۷۲ | ۰/۶۹ | ۰/۶۹ | ۰/۶۹ | ۰/۶۷ |

*۰/۱, **۰/۰۵, *** ۰/۰۱

با استفاده از دو روش ثبات^۱، یافته‌های تحلیل رگرسیون مقطعی مورد استفاده در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. تحت شرایطی که متغیرهای دیگری برای اندازه‌گیری درآمد رانتهی موجود می‌باشند، از آنها برای اندازه‌گیری تاثیر درآمدهای رانتهی بر روی ظرفیت دولت استفاده گردیده است. بنابراین "خالص کمک‌های توسعه‌ای رسمی و کمک‌های توسعه‌ای دریافتی (درصد از تولید ناخالص داخلی)^۲ به جای درصد از درآمد ناخالص داخلی مورد استفاده قرار گرفتند. دوماً، مبتنی بر تعریفی لیبرال از انحراف معیار، باقیمانده‌های بزرگتر از |2| حذف گردیدند. از این طریق،

¹ - Robustness Check

² - Net Official Development Assistance and Development Aid Received (% of GDP)

کشورهای در بالا و پایین لیست درآمدهای رانتی حذف گردیدند. با حذف این کشورها، نتایج به مقدار بسیار ناچیزی تغییر پیدا نمودند. بنابراین مجدداً یافته‌های نخستین تحلیل رگرسیون تأیید گردیدند. این موضوع بیانگر اعتبار داخلی و خارجی یافته‌های پروژه پژوهشی است.

بررسی وضعیت درون‌زایی^۱ یکی از اصلی‌ترین آزمون‌های طراحی و اجرای پژوهش بوده که بیشتر پژوهشگران با توجه به دشواری‌های طراحی آن را لحاظ نمی‌نمایند و این موضوع منجر به کاهش اعتبار پژوهش می‌شود (آنتوناکیس، بندهان، جکوارت و لالیو، ۲۰۱۴). آنتوناکیس^۲، بندهان^۳، جکوارت^۴ و لالیو^۵ (۲۰۱۴، ص ۶) مشکل درون‌زایی را اینگونه تعریف می‌کنند " تحت شرایطی که متغیر X به صورت تصادفی و مستقل در نظام متغیرهای تحت پژوهش تغییر نماید، اگر X وابسته به برخی از علل خارج از مدل بوده و همچنین متغیرهای دیگری در مدل را نیز تحت تاثیر قرار دهند، تحت این شرایط گفته می‌شود که X می‌تواند دارای حالت درون‌زایی^۱ باشد. بدون حل معضل درون‌زایی، همبستگی تخمین زده شده را نمی‌توان به صورتی مناسب تفسیر نمود (آنتوناکیس، بندهان، جکوارت و لالیو، ۲۰۱۴).

ساخت ظرفیت دولت قطعاً فرآیندی درون‌زا بوده که توسط عوامل مختلف نهادی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی صورت می‌پذیرد. با استفاده از روش‌های ذیل تلاش گردیده تا چالش درون‌زایی به صورت مناسب پاسخ داده شود. با وجود پایین بودن پتانسیل و احتمال درون‌زایی در ارتباط با رانت منابع طبیعی و ظرفیت دولت. روش مورد استفاده جهت بررسی معضل درون‌زایی در پژوهش در ارتباط با هر دو گروه درآمد رانتی استفاده گردیده است. روش نخست توسط مسی، ساووویا و سن (۲۰۱۸) معرفی گردیده است. آنها در پژوهش خود اینگونه بیان می‌کنند که ممکن است برخی از کشورها به علت بالا بودن ظرفیت دولت قادر باشند قیمت بازار کالاها^۶ را تحت تاثیر قرار داده و به تبع آن رانت منابع طبیعی را افزایش دهند. تحت این شرایط همبستگی میان رانت منابع طبیعی و ظرفیت دولت از سمت منابع طبیعی به ظرفیت دولت نبوده و بلکه از سمت ظرفیت دولت به رانت منابع طبیعی است. جهت حل این مشکل روشی که توسط مسی، ساووویا و سن (۲۰۱۸) معرفی گردید حذف تولیدکنندگان اصلی منابع طبیعی از پژوهش است. این روش در پژوهش حاضر جهت ارزیابی مشکل درون‌زایی در ارتباط میان رانت نفتی و ظرفیت دولت مورد

1 - Endogeneity

2 - Antonakis

3 - Bendahan

4 - Jacquart

5 - Lalive

6 - Commodity

استفاده قرار گرفت. در نتیجه، اعضای تاثیرگذار اوپک^۱ که در بالای لیست تولیدکنندگان نفت قرار داشتند شامل روسیه، ایران، امارات متحده عربی و کویت از پژوهش حذف گردیدند. یافته‌های تحلیل رگرسیون در این حالت مطابق با یافته‌های تحلیل رگرسیون نخستین و تأیید کننده آنها بود که این موضوع بیانگر وجود علیت از سمت رانت منابع طبیعی به سوی ظرفیت دولت است. در ارتباط با رانت استراتژیک، پتانسیل بالایی جهت وجود مشکل درون‌زایی در ارتباط میان رانت استراتژیک و ظرفیت دولت وجود دارد. به نحویکه نحوه تخصیص کمک‌های توسعه‌ای می‌تواند سبب تغییر در ظرفیت دولت گردیده و در همین حال ممکن است تخصیص کمک‌های توسعه‌ای به علت ظرفیت دولت باشد. برای بررسی این مشکل روش ارایه گردیده توسط کرس‌تینگ^۲ و کیلی^۳ (۲۰۱۳) که در پژوهش‌های جونز^۴ و تارپ^۵ (۲۰۱۸) هم به کار گرفته شده بودند، استفاده گردید. در این روش که میزان اولیه کمک‌های توسعه را مورد استفاده قرار می‌دهد، میانگین درصد از درآمد ناخالص داخلی بین سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۰۹ جهت توضیح تغییرات ظرفیت دولت بین سنوات ۲۰۰۲ الی ۲۰۱۷ استفاده گردید. مبتنی بر یافته این پژوهش، همبستگی درصد از درآمد ناخالص داخلی بر روی ظرفیت دولت همچنان از منظر آماری مثبت و حایز اهمیت بوده هر چند میزان تاثیرگذاری آن بر اساس تخمین افزایش یافته است. این موضوع تأیید کننده این امر است که اهداء کنندگان مالی در بهبود کیفیت نهادهای حاکمیتی در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته از طریق ارایه کمک‌های توسعه‌ای مشروط، موفق بوده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1 - OPEC

2 - Kersting

3 - Kilby

4 - Jones

5 - Tarp

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این است که منابع درآمد عمومی دولت متغیری تأثیرگذاری بر روی ظرفیت دولت در کشورهای متعلق به گروه بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشند. یافته‌های این پژوهش منطبق با رویکرد جامعه‌شناسی مالیه نوین می‌باشد. بر مبنای نتایج تحلیل رگرسیون، درآمدهای رانتهی به عنوان منبع غالب درآمد عمومی دولت در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته دارای تأثیر حایز اهمیت بر روی ظرفیت دولت می‌باشند. این پژوهش تلاش نمود تا تأثیر هر یک از انواع درآمد رانتهی مشتمل بر رانت منابع طبیعی و رانت استراتژیک را به صورت مجزا و به تفکیک بر روی ظرفیت دولت را ارزیابی نماید. اگرچه یافته‌های عمده مطالعات در دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ بیانگر تأثیر منفی رانت استراتژیک بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی بود، یافته‌های این پژوهش نشان دادند که رانت استراتژیک دارای تأثیر مثبت و از منظر آماری حایز اهمیت بر روی ظرفیت دولت می‌باشد. این موضوع منطبق بر یافته‌های پژوهش‌های موس، گلندر و ون د وال (۲۰۰۶)، آرندت، جونز و تارپ (۲۰۱۵)، جکوپک و کلی (۲۰۱۶)، جونز و تارپ (۲۰۱۸) و دیجکسترا (۲۰۱۸) درباره تأثیر مثبت رانت استراتژیک بر کیفیت نهادهای حکمرانی می‌باشد.

اگرچه میزان این تأثیرگذاری همچنان ضعیف است، اما بایستی آن را به عنوان یک خبر خوب برای اهداء کنندگان مالی تلقی نمود. دلیل تغییر یافته‌های پژوهش‌ها در ارتباط با شیوه تأثیرگذاری کمک‌های خارجی بر روی کیفیت نهادهای حکمرانی این است که پس از اعلامیه پاریس در سال ۲۰۰۵ در ارتباط با اثربخشی کمک‌های خارجی و آگاهی نسبت به پیامدهای منفی کمک‌های خارجی، اهداء کنندگان مالی از بهبود شاخص‌های حکمرانی به عنوان شرط تخصیص کمک‌های مالی استفاده نمودند (دایجکسترا، ۲۰۱۸). این فشار فزاینده بر روی کشورهای دریافت کننده کمک‌های توسعه‌ای سبب گردید تا رهبران سیاسی این کشورها انگیزه کافی را جهت طراحی و اجرای خط‌مشی‌های اصلاحی در راستای بهبود کیفیت نهادهای حکمرانی را داشته

باشند. یافته‌های این پروژه پژوهشی اثبات نمود که این خطامشی اهداء کنندگان مالی و اقدامات آنها پس از اعلامیه پاریس، موفقیت آمیز بوده است.

یافته‌های مرتبط با تاثیر رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت اثبات نمود که رانت منابع طبیعی دارای تاثیر منفی بر روی ظرفیت دولت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد. یافته مذکور موید وجود پدیده نفرین منابع طبیعی در کشورهایی است که اقتصاد آنها مبتنی بر منابع طبیعی است. این یافته منطبق بر یافته‌های پژوهش نک (۲۰۰۰)، مسی، ساوویا و سن (۲۰۱۸) و ایشام، وولکاک، پریچت و باسی (۲۰۰۵) بوده که بحث نمودند رانت منابع طبیعی تاثیر حایز اهمیتی بر روی شکل دهی به دولت‌ها دارند. مبتنی بر تحلیل رگرسیون صورت پذیرفته، نفت اصلی‌ترین منبع نفرین منابع طبیعی در میان سایر منابع طبیعی می‌باشد. بنابراین وجود رانت نفتی، منجر به کاهش انگیز ساخت ظرفیت دولت در کشورها می‌گردد. همان‌گونه که بوچینی، پیترسون و روبین (۲۰۰۷) توضیح دادند این موضوع به دلایل اقتصادی و فنی می‌باشد. تحت این شرایط درآمدهای نفتی که بایستی برای ارایه کالاها و خدمات عمومی مانند مدرسه، بیمارستان و یا ساخت زیرساخت‌ها مانند جاده‌ها مورد استفاده قرار گیرند، موجب شده تا شرایط وخیم‌تر گردند. آنچه در ارتباط با هر دو گروه درآمدهای رانتی مشترک است، این موضوع بوده که مسیر تاثیرگذاری این درآمدها بر روی ظرفیت دولت و کیفیت نهادهای حکمرانی از طریق شکل‌دهی به انگیزه‌ها می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق الذکر، یافته‌های پژوهش حاضر اثبات نمودند که ظرفیت دولت عمیقاً وابستگی تاریخی داشته و با توجه به ریشه تاریخی آن، تغییرات آن وابستگی شدیدی به تاریخ دولت‌ها دارد. این موضوع نمادی از وجود تله نهادی بوده که حل آن نیازمند راهکارهای نظام‌مند و جامع می‌باشد. وضعیت اقتصاد کشورها دیگر عامل موثر بر شکل‌دهی ظرفیت دولت‌ها می‌باشد. در کشورهای ثروتمند، دولت‌ها دسترسی بیشتری به درآمدهای عمومی مورد نیاز جهت طراحی و اجرای خطامشی‌ها و ارایه کارا کالاها و خدمات عمومی دارند. نهایتاً، دو عامل ضعیف تاثیرگذار بر

روی ظرفیت دولت عبارتند از بدهی خارجی که دارای تاثیر منفی بر روی ظرفیت دولت بوده و تراکم جمعیت که دارای تاثیر مثبت بر روی ظرفیت دولت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه می‌باشد.

پیشهادات

اگرچه یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این امر است که کمک‌های خارجی دارای تاثیر مثبت بر روی ظرفیت دولت هستند، با این وجود همچنان فرصت‌هایی جهت بهبود بیشتر در این حوزه وجود دارد. همانطور دیجکسترا (۲۰۱۸) بحث نمود، مقصود و نیت‌های اهداء کنندگان اصلی‌ترین عامل تعیین کننده شیوه تاثیرگذاری کمک‌های خارجی بر روی ظرفیت دولت می‌باشند. بر اساس یافته‌های پژوهش‌های موجود، اهداء کنندگان چند ملیتی تمایل بیشتری به بهبود کیفیت نهادهای حکمرانی در کشورهای کمک گیرنده داشته و فعالیت آنها در مقایسه با کشورهای اهداء کننده مالی موفقیت آمیزتر بوده است. بنابراین به نظر می‌رسد در شرایطی که تمام بودجه مورد نیاز برای کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته از طریق اهداء کنندگان مالی چند ملیتی هزینه گردد، این موضوع اثربخشی بیشتری خواهد داشت. همچنین، اهداء کنندگان مالی بایستی علاوه بر لحاظ نمودن کیفیت نهادهای حکمرانی، سایر بخش‌ها مانند بهبود فضای کسب و کار (نک، ۲۰۰۰)، توسعه ظرفیت خلق درآمدهای مالیاتی (مور، ۲۰۰۷) و تقویت جامعه مدنی (دالر و پریچت، ۱۹۹۷) را بایستی مد نظر قرار دهند. نهایتاً همانگونه که نک (۲۰۰۰) بیان نمود، اهداء کنندگان مالی باید بتوانند روش‌های سیاست‌زدایی^۱ از توزیع رانت استراتژیک را شناسایی کنند. از طرف دیگر در راستای حفظ و تقویت تاثیر مثبت کمک‌های مالی خارجی بر روی ظرفیت دولت، اهداء کنندگان مالی باید میزان کمک به دولت‌هایی را که نسبت به انجام هرگونه اصلاح اقدام نمی‌نمایند، کاهش دهند.

^۱ - Depoliticizing

در ارتباط با تاثیر منفی رانت منابع طبیعی بر روی ظرفیت دولت به ویژه در ارتباط با کشورهای غنی نفتی، شرایط نسبتاً پیچیده‌تر است. به دلیل وجود تله نفرین منابع طبیعی، تعریف انگیزه مورد نیاز برای نخبگان سیاسی و حکمرانان در این کشورها بسیار پیچیده‌تر است. بهبود کیفیت نهادها از طریق ابزارهای گوناگونی مانند سطح محدودیت‌های موجود بر مقامات اجرایی تنها راهکاری است که می‌تواند رانت منابع طبیعی را تبدیل به تسهیل‌گری جهت تحقق اهداف توسعه نماید. به عبارتی دیگر مبتنی بر یافته‌های پژوهش عمدتاً کشورهایی موفق به مدیریت رانت منابع طبیعی به سوی توسعه اقتصادی گردیده‌اند که پیش از دستیابی به رانت منابع طبیعی نهادهای حکمرانی به صورتی مناسب در آنها شکل گرفته‌اند.



References

- Acemoglu, D., Ticchi, D. and Vindigni, A., (2011). Emergence and persistence of inefficient states. *Journal of the European Economic Association*, 9(2), pp.177-208.
- Acharya, A., De Lima, A.T.F. and Moore, M., (2006). Proliferation and fragmentation: Transactions costs and the value of aid. *The journal of development studies*, 42(1), pp.1-21.
- Adelman, I. and Morris, C.T., (1967). *Society, politics & economic development; a quantitative approach*.
- Ahmed, F.Z., (2012). The perils of unearned foreign income: Aid, remittances, and government survival. *American Political Science Review*, 106(1), pp.146-165.
- Al- Marhubi, F., (2004). The determinants of governance: A cross- country analysis. *Contemporary Economic Policy*, 22(3), pp.394-406.
- Amiri, H., Samadian, F., Yahoo, M. and Jamali, S.J., (2019). Natural resource abundance, institutional quality and manufacturing development: Evidence from resource-rich countries. *Resources Policy*, 62, pp.550-560.
- Antonakis, J., Bendahan, S., Jacquart, P. and Lalive, R., (2014). And solutions. *The Oxford handbook of leadership and organizations*, p.93.
- Arezki, R. and Brückner, M., (2011). Oil rents, corruption, and state stability: Evidence from panel data regressions. *European Economic Review*, 55(7), pp.955-963.
- Arndt, C., Jones, S. and Tarp, F., (2015). Assessing foreign aid's long-run contribution to growth and development. *World Development*, 69, pp.6-18.
- Askarov, Z. and Doucouliagos, H., (2013). Does aid improve democracy and governance? A meta-regression analysis. *Public Choice*, 157(3-4), pp.601-628.
- Bäck, H. and Hadenius, A., (2008). Democracy and state capacity: exploring a J- shaped relationship. *Governance*, 21(1), pp.1-24.

- Balch-Lindsay, D. and Enterline, A.J., (2000). Killing time: The world politics of civil war duration, 1820–1992. *International Studies Quarterly*, 44(4), pp.615-642.
- Balch-Lindsay, D., Enterline, A.J. and Joyce, K.A., (2008). Third-party intervention and the civil war process. *Journal of Peace Research*, 45(3), pp.345-363.
- Bardhan, P., (2005). Institutions matter, but which ones?. *Economics of transition*, 13(3), pp.499-532.
- Beblawi, H., 1987. The rentier state in the Arab world. *Arab Studies Quarterly*, pp.383-398.
- Beblawi, H. and Luciani, G., (1987). *The Rentier State: Nation, State and the Integration of the Arab World*, Croom Helm, London.
- Béland, L.P. and Tiagi, R., (2013). Economic Freedom and the “Resource Curse”. *An Empirical Analysis BP Statistical Review of World Energy*.
- Bersch, K., Praça, S. and Taylor, M., (2013), May. State capacity and bureaucratic autonomy within national states: Mapping the archipelago of excellence in Brazil. In *Trabajo presentado en la Latin American Studies Association Conference*, Washington, DC.
- Besley, T. and Persson, T., (2009). The origins of state capacity: Property rights, taxation, and politics. *American Economic Review*, 99(4), pp.1218-44.
- Besley, T. and Persson, T., (2011). *Pillars of prosperity: The political economics of development clusters*. Princeton University Press.
- Besley, T. and Persson, T., (2014). Why do developing countries tax so little?. *Journal of Economic Perspectives*, 28(4), pp.99-120.
- Bockstette, V., Chanda, A. and Putterman, L., (2002). States and markets: The advantage of an early start. *Journal of Economic Growth*, 7(4), pp.347-369.
- Boschini, A.D., Pettersson, J. and Roine, J., (2007). Resource curse or not: A question of appropriability. *Scandinavian Journal of Economics*, 109(3), pp.593-617.
- Brautigam, D., (1992). Governance, economy, and foreign aid. *Studies in comparative international development*, 27(3), pp.3-25.
- Bräutigam, D. and Botchwey, K., (1999). *The institutional impact of aid dependence on recipients in Africa*. Chr. Michelsen Institute.
- Bräutigam, D.A. and Knack, S., (2004). Foreign aid, institutions, and governance in sub-Saharan Africa. *Economic development and cultural change*, 52(2), pp.255-285.

- Brazys, S., (2016). Aid and governance: Negative returns?. *The European Journal of Development Research*, 28(2), pp.294-313.
- Burnside, C. and Dollar, D.,(2000). Aid, policies, and growth. *American economic review*, 90(4), pp.847-868.
- Busse, M. and Gröning, S., (2009). Does foreign aid improve governance?. *Economics Letters*, 104(2), pp.76-78.
- Cárdenas, M., (2010). State capacity in latin america. *Economía*, 10(2), pp.1-45.
- Charron, N. and Lapuente, V.,(2010). Does democracy produce quality of government?. *European journal of political research*, 49(4), pp.443-470.
- Cheng et al.,(2019). *Stata web books regression with STATA*. UCLA Institute for Digital Research & Education. Available at: <https://stats.idre.ucla.edu/stata/webbooks/reg/> [Retrieved: 16 August 2019]
- Cingolani, L., Thomsson, K. and de Crombrugge, D., (2015). Minding Weber more than ever? The impacts of state capacity and bureaucratic autonomy on development goals. *World Development*, 72, pp.191-207.
- Collier, P., (1997). Chapter 2. The Failure of Conditionality. *POLICY ESSAY-OVERSEAS DEVELOPMENT COUNCIL*, pp.51-77.
- Collier, P. and Hoeffler, A.,(1998). On economic causes of civil war. *Oxford economic papers*, 50(4), pp.563-573.
- Collier, P.,(2009). The political economy of state failure. *Oxford Review of Economic Policy*, 25(2), pp.219-240.
- Cooksey, B., (2012). Aid, governance and corruption control: a critical assessment. *Crime, law and social change*, 58(5), pp.521-531.
- Crawford, G.,(1997). Foreign aid and political conditionality: Issues of effectiveness and consistency. *Democratization*, 4(3), pp.69-108.
- De Rouen Jr, K.R. and Sobek, D.,(2004). The dynamics of civil war duration and outcome. *Journal of Peace Research*, 41(3), pp.303-320.
- Diehl, P.F., (1983). Arms races and escalation: A closer look. *Journal of Peace Research*, 20(3), pp.205-212.
- Dincecco, M., (2017). *State capacity and economic development: Present and past*. Cambridge University Press.
- Djankov, S., Montalvo, J.G. and Reynal-Querol, M., (2008). The curse of aid. *Journal of economic growth*, 13(3), pp.169-194.

- Dijkstra, G.,(2018). Aid and good governance: Examining aggregate unintended effects of aid. *Evaluation and program planning*, 68, pp.225-232.
- Dollar, D. and Pritchett, L.,(1998). *Assessing aid: What works, what doesn't and why*. Washington, DC: The World Bank.
- Easterly, W.,(2005). *Inequality does cause underdevelopment*.
- El-Anshasy, A., Mohaddes, K. and Nugent, J.B., 2017. Oil, volatility and institutions: cross-country evidence from major oil producers. *Globalization and Monetary Policy Institute Working Paper*, (310).
- Engerman, S.L. and Sokoloff, K.L., (2002). Factor endowments, inequality, and paths of development among new world economics (No. w9259). National Bureau of Economic Research.
- Englehart, N.A., (2009). State capacity, state failure, and human rights. *Journal of Peace Research*, 46(2), pp.163-180.
- Evans, P. and Rauch, J.E., (1999). Bureaucracy and growth: A cross-national analysis of the effects of " Weberian" state structures on economic growth. *American sociological review*, pp.748-765.
- Fearon, J.D. and Laitin, D.D., (2003). Ethnicity, insurgency, and civil war. *American political science review*, 97(1), pp.75-90.
- Fearon, J.D., (2005). Primary commodity exports and civil war. *Journal of conflict Resolution*, 49(4), pp.483-507.
- Frankel, J.A.,(2010). The natural resource curse: a survey (No. w15836). National Bureau of Economic Research.
- Fukuyama, F., (2013). What is governance?. *Governance*, 26(3), pp.347-368.
- Fukuyama, F.,(2016). Governance: What do we know, and how do we know it?. *Annual Review of Political Science*, 19, pp.89-105.
- Geddes, B., (1990). Building " state" autonomy in Brazil, 1930-1964. *Comparative Politics*, 22(2), pp.217-235.
- Gerth, H.H. and Mills, C.W., (2014). *From Max Weber: essays in sociology*. Routledge.
- Glaeser, E.,(2016). If You Build It... Myths and realities about America's infrastructure spending. *City Journal*.
- Grassi, D. and Memoli, V., (2016). Political determinants of state capacity in Latin America. *World Development*, 88, pp.94-106.

- Grossman, H.I., (1992). Foreign aid and insurrection. *Defence and Peace Economics*, 3(4), pp.275-288.
- Guimarães, A.Q., (2010). State Capacity and Economic Development The Advances and Limits of Import Substitution Industrialization in Brazil. *Luso-Brazilian Review*, 47(2), pp.49-73.
- Gwartney, J. and Lawson, R., (2009). *Economic freedom of the world: Annual report 2009*.
- Hamilton, L.C., (1992). *Regression with graphics: A second course in applied statistics*.
- Hanson, J.K. and Sigman, R., (2013), September. Leviathan's latent dimensions: measuring state capacity for comparative political research. In *APSA 2011 Annual meeting paper*.
- Hendrix, C.S., (2010). Measuring state capacity: Theoretical and empirical implications for the study of civil conflict. *Journal of peace research*, 47(3), pp.273-285.
- Herbst, J., (2014). *States and power in Africa: Comparative lessons in authority and control (Vol. 149)*. Princeton University Press.
- High Level Forum.,(2005). *Paris declaration on aid effectiveness*. Paris: OECD-DAC.
- Huntington, S.P., (1970). Political order in changing societies. *VRÜ Verfassung und Recht in Übersee*, 3(2), pp.257-261.
- ICRG – International Country Risk Guide (1997) IRIS database, 3rd edition. Syracuse NY: The Political Risk Service Group.
- IMD.(2011). *World Competitiveness Online*
- IMF.,(2019). *World Economic Outlook (WEO)*. Available at: <https://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/faq.htm#q4b> [Retrieved: 19 August 2019]
- Isham, J., Woolcock, M., Pritchett, L. and Busby, G.,(2005). The varieties of resource experience: natural resource export structures and the political economy of economic growth. *The World Bank Economic Review*, 19(2), pp.141-174.
- Jakupec, V. and Kelly, M., (2016). Official development assistance and impact assessment—theoretical and practical frameworks. In *Assessing the Impact of Foreign Aid* (pp. 1-16). Academic Press.
- Johnson, C., (1982). *MITI and the Japanese miracle: the growth of industrial policy: 1925-1975*. Stanford University Press.
- Johnson, N.D. and Koyama, M., (2017). States and economic growth: Capacity and constraints. *Explorations in Economic History*, 64, pp.1-20.

- Jones, D.M., Bremer, S.A. and Singer, J.D.,(1996). Militarized interstate disputes, 1816–1992: Rationale, coding rules, and empirical patterns. *Conflict Management and Peace Science*, 15(2), pp.163-213.
- Kapur, D. and Webb, R., (2000). Governance-related conditionalities of the international financial institutions (No. 6). UN.
- Karl, T.L., (1997). *The paradox of plenty: Oil booms and petro-states* (Vol. 26). Univ of California Press.
- Karl, T.L., (2007). Oil-led development: social, political, and economic consequences. *Encyclopedia of energy*, 4(8), pp.661-672.
- Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M., (2009). *Governance matters VIII: Aggregate and individual governance indicators 1996-2008*. The World Bank.
- Kaufmann, D., Kraay, A. and Mastruzzi, M.,(2010). Response to ‘What do the worldwide governance indicators measure?’. *The European Journal of Development Research*, 22(1), pp.55-58.
- Knack, S. and Keefer, P.,(1995). Institutions and economic performance: cross- country tests using alternative institutional measures. *Economics & Politics*, 7(3), pp.207-227.
- Knack, S., (2001). *Aid dependence and the quality of governance: a cross-country empirical analysis*. The World Bank.
- Knutsen, C.H., (2013). Democracy, state capacity, and economic growth. *World Development*, 43, pp.1-18.
- Kocher, M.A., (2010). State capacity as a conceptual variable. *Yale J. Int'l Aff.*, 5, p.137.
- Kohli, A., (2017), *State Capacity for Development*. Princeton University. Presented at the Human Science Research Council (HSRC)
- Lancaster, C., (1993). Governance and development: the views from Washington. *ids bulletin*, 24(1), pp.9-15.
- Lancaster, C., (1993). Democratisation in Sub- Saharan Africa. *Survival*, 35(3), pp.38-50.
- La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A. and Vishny, R.,(1999). The quality of government. *The Journal of Law, Economics, and Organization*, 15(1), pp.222-279.
- Leite, M.C. and Weidmann, J., (1999). *Does mother nature corrupt: Natural resources, corruption, and economic growth*. International Monetary Fund.
- Levi, M.,(1989). *Of rule and revenue*. Univ of California Press.

- Lieberman, E.S., (2002). Taxation data as indicators of state-society relations: possibilities and pitfalls in cross-national research. *Studies in Comparative International Development*, 36(4), pp.89-115.
- Lin, J.Y. and Nugent, J.B.,(1995). Institutions and economic development. *Handbook of development economics*, 3, pp.2301-2370.
- Lindert, P.H.,(2004). *Growing public: Volume 1, the story: Social spending and economic growth since the eighteenth century (Vol. 1)*. Cambridge University Press.
- Lu, L. and Thies, C.G., (2013). War, rivalry, and state building in the Middle East. *Political Research Quarterly*, 66(2), pp.239-253.
- Luciani, G., (1994). The oil rent, the fiscal crisis of the state and democratization. *Democracy without democrats*, pp.130-55.
- Mahdavy, H. and Cook, M.A.,(1970). The patterns and problems of economic development in rentier states: The case of Iran. *life*, 1000(1).
- Mann, M., (1984). The autonomous power of the state: its origins, mechanisms and results. *European Journal of Sociology/Archives européennes de sociologie*, 25(2), pp.185-213.
- Mann, M., (1986). *The Sources of Social Power: A History of Power from the Beginning to AD 1760.-1986*. Cambridge University Press.
- Mann, M.,(2008). Infrastructural power revisited. *Studies in Comparative International Development*, 43(3-4), p.355.
- Masi, T., Savoia, A. and Sen, K., (2018). Is there a fiscal resource curse? Resource rents, fiscal capacity and political institutions.
- Mason, T.D. and Fett, P.J., (1996). How civil wars end: A rational choice approach. *Journal of Conflict Resolution*, 40(4), pp.546-568.
- Mason, T.D., Weingarten Jr, J.P. and Fett, P.J.,(1999). Win, lose, or draw: Predicting the outcome of civil wars. *Political Research Quarterly*, 52(2), pp.239-268.
- McLure, M., (2003). *Fiscal sociology (No. 03-16)*.
- Mehlum, H., Moene, K. and Torvik, R.,(2006). Institutions and the resource curse. *The economic journal*, 116(508), pp.1-20.
- Moore, M., (1998). Death without taxes: Democracy, state capacity, and aid dependence in the fourth world. *The democratic developmental state: Politics and institutional design*, 86.
- Moore, M., (2001). Political Underdevelopment: What causes 'bad governance'. *Public Management Review*, 3(3), pp.385-418.

- Moore, M., (2004). Revenues, state formation, and the quality of governance in developing countries. *International Political Science Review*, 25(3), pp.297-319.
- Moore, M., (2007). How does taxation affect the quality of governance?.
- Moss, T.J., Pettersson Gelande, G. and Van de Walle, N., (2006). An aid-institutions paradox? A review essay on aid dependency and state building in sub-Saharan Africa. Center for Global Development working paper, (74), pp.11-05.
- Mukherjee, C., White, H. and Wuyts, M., (2013). *Econometrics and data analysis for developing countries*. Routledge.
- Murphy, K.R., (1997). Editorial. *Journal of Applied Psychology*, 82(1), 3-5
- North, D.C., 1981. *Structure and change in economic history*. Norton.
- North, D.C., Wallis, J.J. and Weingast, B.R., (2009). *Violence and social orders: A conceptual framework for interpreting recorded human history*. Cambridge University Press.
- Nunn, N., (2009). The importance of history for economic development. *Annu. Rev. Econ.*, 1(1), pp.65-92.
- Ottervik, M., (2013). Conceptualizing and measuring state capacity. *QoG Working Paper Series*, 20, p.20.
- Pena, J., Guasch, J.L. and Escribano, A., (2000). *Reforming public institutions and strengthening governance: a World Bank strategy*. The World Bank.
- Persson, A., (2008). The institutional sources of statehood. Assimilation, multiculturalism, and taxation in Sub-Saharan Africa.
- Peters, B.G. and Pierre, J., (2006). Governance, government and the state. *The state: Theories and issues*, pp.209-222.
- Rauch, J.E. and Evans, P.B., (2000). Bureaucratic structure and bureaucratic performance in less developed countries. *Journal of public economics*, 75(1), pp.49-71.
- Remmer, K.L., (2004). Does foreign aid promote the expansion of government?. *American Journal of Political Science*, 48(1), pp.77-92.
- Ricciuti, R., Savoia, A. and Sen, K., (2018). What determines administrative capacity in developing countries?. *International Tax and Public Finance*, pp.1-27.
- Ross, M.L., (2001). Does oil hinder democracy?. *World politics*, 53(3), pp.325-361.
- Rotberg, R.I., (2003). Failed states, collapsed states, weak states: Causes and indicators. *State failure and state weakness in a time of terror*, 1, p.25.

- Rothstein, Bo and Jan Teorell. (2008). What is Quality of Government? A Theory of Impartial Government Institutions". *Governance* 21(2): 165-190
- Savoia, A. and Sen, K.,(2015). Measurement, evolution, determinants, and consequences of state capacity: a review of recent research. *Journal of Economic Surveys*, 29(3), pp.441-458.
- Saylor, R., 2013. Concepts, measures, and measuring well: An alternative outlook. *Sociological Methods & Research*, 42(3), pp.354-391.
- Schwarz, R., (2004), September. State formation processes in Rentier States: the Middle Eastern case. In *Fifth Pan-European Conference on International Relations, ECPR Standing Group on International Relations, Section (Vol. 34)*.
- Sikkink, K., (1991). *Ideas and institutions: developmentalism in Brazil and Argentina (Vol. 4)*. Ithaca: Cornell University Press.
- Singer, J.D., Bremer, S. and Stuckey, J., 1972. Capability distribution, uncertainty, and major power war, 1820-1965. *Peace, war, and numbers*, 19, p.48.
- Skocpol, T. and Theda, S.,(1979). *States and social revolutions: A comparative analysis of France, Russia and China*. Cambridge University Press.
- Soifer, H.,(2008). State infrastructural power: Approaches to conceptualization and measurement. *Studies in Comparative International Development*, 43(3-4), p.231.
- Soifer, H. and Vom Hau, M.,(2008). Unpacking the strength of the state: The utility of state infrastructural power. *Studies in Comparative International Development*, 43(3-4), p.219.
- Stiglitz, J.E., (1999). *The World Bank at the millennium*.
- Teorell, J., Soren, H., and Bo, R., 2008. The quality of government dataset, version 6th April (2011). University of Gothenburg: The Quality of Government Institute. Available at <http://www.qog.pol.gu.se> accessed on August 25, 2012
- The Quality of Government Institute., (2019). QoG EQI Data. Available at: <https://qog.pol.gu.se/data/datadownloads/qog-eqi-data> (Accessed: 11 June 2019)
- Thies, C.G., (2004). State building, interstate and intrastate rivalry: A study of post-colonial developing country extractive efforts, 1975–2000. *International Studies Quarterly*, 48(1), pp.53-72.
- Thies, C.G.,(2005). War, rivalry, and state building in Latin America. *American Journal of Political Science*, 49(3), pp.451-465.

- Thies, C.G., (2007). The political economy of state building in sub-Saharan Africa. *The Journal of politics*, 69(3), pp.716-731.
- Thies, C.G., (2010). Of rulers, rebels, and revenue: State capacity, civil war onset, and primary commodities. *Journal of peace research*, 47(3), pp.321-332.
- United Nations. (2015). Transforming our world: The 2030 agenda for sustainable development. Sustainabledevelopment.un.org
- United Nations.(2019). The Sustainable Development Goals Report 2019.
- Vandewalle, D.J. and Vandewalle, D.,(1998). *Libya Since Independence: Oil and State-building*. IB Tauris.
- Vom Hau, M., (2012). State capacity and inclusive development: new challenges and directions. *Effective States and Inclusive Development Research Centre Working Paper*, 2.
- Waldner, D.,(1999). *State building and late development*. Cornell University Press.
- Walter, B.F., (2006). Building reputation: Why governments fight some separatists but not others. *American Journal of Political Science*, 50(2), pp.313-330.
- Wantchekon, L.,(2002). Why do resource abundant countries have authoritarian governments?. *Journal of African Development*, 5(2), pp.145-176.
- Wayman, F.W., Singer, J.D. and Goertz, G., (1983). Capabilities, allocations, and success in militarized disputes and wars, 1816–1976. *International Studies Quarterly*, 27(4), pp.497-515.
- Weber, M.,(1958). Science as a Vocation. *Daedalus*, 87(1), pp.111-134.
- Wiens, D., (2014). Natural resources and institutional development. *Journal of Theoretical Politics*, 26(2), pp.197-221.

- World Bank, (1997). Expanding the measure of wealth: indicators of environmentally sustainable development. Washington, DC: World Bank.
- World Bank, (2004). Making services work for poor people: world development report 2004.
- World Bank.(2011a). CPIA 2011 Criteria. The World Bank Group. URL <http://www.worldbank.org/ida/papers/CPIAcriteria2011final.pdf>
- World Bank. (2011b). WDI online. Washington, DC: World Bank Group
- World Bank, (2019). Government Effectiveness. Available at: <https://datacatalog.worldbank.org/government-effectiveness-estimate-0> (Accessed: 18 June 2019)
- World Values Survey Association.(2009). “World Values Survey 1981-2008 Official Aggregate.” V.20090901. Aggregate File Produce: ASED/JDS, Madrid. (www.worldvaluesurvey.org)